

ترجمان فلسفه

فلسفه در سرزمین نبوت

فلسفه اسلامی از آغاز تا امروز

سید حسین نصر

ترجمه بیت‌الله ندرلو



مجلس شورای اسلامی ایران

این اثر ترجمه‌ای است از:

Islamic Philosophy from its Origin to the Present

Philosophy in the Land of Prophecy

Seyyed Hossein Nasr

State University of New York Press, 2006

میراثنامه : تصوف، حسین، ۱۳۱۲ -

Nasr, Seyyed Hossein

عنوان و نام پدیدآور : فلسفه در سرزمین نبوت : فلسفه

اسلامی از آغاز تا امروز / سید حسین نصر؛ ترجمه

بیست‌الله نادرلو.

مشخصات نشر : تهران : ترجمان علوم انسانی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۲۲۰ ص.

شابک: ۸۰-۹۱-۶۰۰-۹۷۸-

وضعیت فهرست نویسی : فیا

شناسه افزوده : نادرلو، بیست‌الله، ۱۳۶۲ -، مترجم.

زده‌بندی گنگره : BBR۱۴ ن ۵۷ ت ۱۳۹۶

زده‌بندی دیوبی : ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی : ۴۶۵۰۹۳۵

فلسفه در سرزمین نبوت

مدرسۀ اسلامی از آغاز تا امروز

نویسنده: سیدحسین نصر

ترجمه: بیت‌الله ندرلو

ناشر: ترجمان علوم انسانی

ویراستار: مرضیه اکبر

طراح جلد: محمدمبین عموهاشم

صفحه‌آرا: علی اصغر آقا

چاپ: زیتون

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

ترجمان: تهران، خیابان نجات‌اللهی، خیابان اراک،

پلاک ۴۶، واحد ۴، تلفن: ۸۸۸۰۲۰۹۰

پست الکترونیک: info@tarjomaan.com

حقوق چاپ و نشر در قالب‌های کاغذی و

الکترونیکی و صوتی، انحصاراً برای انتشارات

ترجمان علوم انسانی محفوظ است.

۱۳	یادداشت مترجم
۱۵	پیشگفتار
۱۷	مقدمه
۲۹	[بخش اول]
	فلسفه اسلامی و مطالعه آن
۳۱	[۱] مطالعه فلسفه اسلامی: ر. غ. در دوران اخیر: یک طرح کلی
۵۳	[۲] معنا و نقش فلسفه در اسلام
۷۱	[۳] حکمت الهی و کلام
۸۳	[بخش دوم]
	مسائل فلسفی
۸۵	[۴] مسئله وجود و ماهیت و وجودشناسی در فلسفه اسلامی
۸۵	اهمیت موضوع
۸۷	پیمایشی تاریخی درباره مطالعه وجود و ماهیت در اندیشه اسلامی
۸۸	معنای وجود و ماهیت
۹۰	تمایز میان وجود و ماهیت
۹۲	مسئله «عرضیت» وجود
۹۴	ضرورت، امکان، امتناع
۹۶	مفهوم و حقیقت وجود
۹۸	وحدت، تشکیک و اصالت وجود
۹۸	وحدت وجود
۱۰۱	سبک

صالحیت و وجود	۱۰۳
ساختار واقعیت	۱۰۵
تجربه وجود	۱۰۸
[۵] فلسفه اسلامی پساسینوی و مطالعه وجود	۱۱۱
[۶] پرسش‌های معرفت‌شناختی: روابط میان عقل، استدلال و شهود در درون چشم‌اندازهای فکری اسلامی گوناگون	۱۱۹
[بخش سوم]	۱۳۱
فلسفه اسلامی در تاریخ	
[۷] چهارچوبی برای مطالعه تاریخ فلسفه اسلامی	۱۳۱
خاستگاه فلسفه اسلامی	۱۳۵
من بیان ال	۱۳۶
فلسفه اسماعیلی	۱۳۸
فلسوفان سنی در قرون اولیه	۱۳۹
متکلمان بر پایه فیلد رمان	۱۴۰
فلسفه اسلامی در اسپانیا	۱۴۱
سهروردی و مکتب اشراق	۱۴۳
تلفیق میان مکاتب فکری مختلف	۱۴۳
مکتب اصفهان و فلسفه در هند و ترکیه عهد عثمانی	۱۴۴
فلسفه اسلامی در جهان اسلام معاصر	۱۴۵
فلسفه فنون مختلف	۱۴۶
[۸] ابعاد سنت فکری اسلامی: کلام، فلسفه و معنویت	۱۴۹
کلام متقدم	۱۵۱
معتزله	۱۵۲
ابوالحسن اشعری و مذهب اشعری متقدم	۱۵۵
ماتریدیه و طحاویه	۱۵۸
مذهب اشعری متأخر	۱۵۹
کلام در جهان جدید	۱۶۰
پیام مذهب اشعری	۱۶۱
کلام شیعی	۱۶۵
فلسفه اسلامی	۱۶۷
فلسفه مشایی متقدم	۱۶۸

- ۱۷۴ وجودشناسی و جهان‌شناسی سینوی
- ۱۷۶ برخی فیلسوفان مستقل
- ۱۷۹ فلسفه هرمسی-فیثاغوری و اسماعیلی
- ۱۸۴ فلسفه اسلامی در سرزمین‌های غربی اسلام
- ۱۹۳ سهروردی و مکتب اشراق
- ۱۹۶ فلسفه اشراقی چیست؟
- ۱۹۸ از سهروردی تا مکتب اصفهان
- ۱۹۹ فلسفه اسلامی و سهروردی
- ۲۰۱ [۹] عمر خیام شاعر-دانشمند در مقام فیلسوف
- ۲۲۳ [۱۰] فلسفه در آذربایجان و مکتب شیراز
- ۲۲۳ مراکز فعالیت فلسفی در جهان اسلام
- ۲۲۴ مکتب آذربایجان
- ۲۳۲ مکتب شیراز
- ۲۳۴ فیلسوفان بزرگ مکتب شیراز
- ۲۳۴ میرصدیق‌الدین دشتکی همنام به استاد استاد
- ۲۳۷ جهان‌اندیش دولتی
- ۲۳۹ غیبت‌اندیش مقصور دشتکی
- ۲۴۳ اسماعیلیان خفیه
- ۲۴۴ مکتب شیراز و فلسفه اسلامی در هند
- ۲۴۹ [۱۱] «ازبینی مکتب اصفهان
- ۲۴۹ درآمد
- ۲۵۲ میرداماد بیان‌گذار مکتب اصفهان
- ۲۵۷ میرفنارسکی
- ۲۵۹ نژادان نسل اول
- ۲۶۳ ملاحظاتی تاریخی
- ۲۶۵ [۱۲] ملاصدرا و شکوفایی کامل فلسفه اشراقی
- ۲۶۵ ملاصدرا
- ۲۶۷ شکوفایی کامل فلسفه نبوی در آموزه‌های ملاصدرا
- ۲۶۸ فلسفه وجود
- ۲۶۹ کتاب فقه‌اندیش
- ۲۷۰ سبوت و اشراق
- ۲۷۱ تاریخ‌شناسی
- ۲۷۲ معادشناسی و علم النفس قدیمی
- ۲۷۳ نظام خیال

۲۷۳	حرکت خودمختاری
۲۷۷	[۱۳] از مکتب اصفهان تا مکتب تهران
۲۷۷	مکتب اصفهان در واپسین دوره فعالیتش
۲۷۹	سرآغاز مکتب تهران
۲۸۲	حکمای اربعه و تأسیس کامل مکتب تهران
۲۸۲	دکتر علی حکیم مدرس
۲۸۶	آقا محمد رضا فضلعلی
۲۸۸	میرزا ابوالحسن خرمی
۲۹۰	میرزا حسن سیدزری
۲۹۰	پس از حکمای اربعه مؤسس
۲۹۰	اهمیت مکتب تهران
۳۰۳	بخش چهارم
	وضعیت علمی
۳۰۵	[۱۴] تألمات ریاضه علم و تفکر مدرن
۳۲۱	[۱۵] فلسفه در زمین جود دیروز و امروز
۳۳۱	پی‌نوشت‌ها
۳۹۵	واژه‌نامه
۳۹۹	نمایه

یادداشت مترجم

کتاب حاضر به قلم یکی از برجسته‌ترین اسلام‌پژوهان دانشگاهی جهان به رشته تحریر درآمده است. سید حسین نصر عمری را صرف رصد گوشه‌گوشه جغرافیای پررمزوراز تفکر اسلامی در هند و تمدن شیعی کرده است. خود مؤلف هم، در ابتدای کتاب، اثر حاضر را حاضر علم خود خوانده و آن را گزارشی جامع از تمام یافته‌های علمی و الهامی‌اش درباره تاریخ تفکر اسلامی در میان اسلام و وحی محمدی برشمرده است. از این منظر، مطالعه اثر حاضر برای هر کسی که اهل تحقیق و تفحص علمی است مغتنم است.

سید حسین نصر به همراه هانری کربن از جمله محققانی است که در تلاش بوده‌اند تا مولولوگ شرق‌شناسان غربی‌اندیش درباره تاریخ تفکر اسلامی را بشکنند. این اساتید بارع در پی آن بودند که پرده از گوهرهایی بردارند که در زیر گرد و غبار غفلت و تعصب از دیده‌ها پنهان مانده‌اند. تفکر در معنای عمیق آن همیشه به تذکر معنا است و تأمل در سرآغازهای فکری یک تمدن طلیعه این تذکر است. پس تاریخ یک نحوه تذکر صرف داستان‌پردازی درباره یک سرگذشت متصلب نیست، بلکه تلاش برای تجزیه تنگنای تنگربه همراه شهسواران اندیشه است.

یکی از جالب‌ترین نکات درباره کتاب حاضر گفتمان‌سازی درباره برخی از جریان‌های فکری است که به آن‌ها آن‌طور که باید و شاید پرداخته نشده است. از جمله این جریان‌ها مکاتب فلسفی آذربایجان و شیراز است. این دو مکتب فلسفی دو حلقه مهم در تاریخ تفکر فلسفی در جهان اسلام محسوب می‌شوند که متفکران آن‌ها زمینه را برای ظهور مکاتب فلسفی اصفهان و تهران فراهم ساخته‌اند. استاد نصر،

با استفاده از منابع موجود، تصویری بسیار جذاب از جریانات فکری جاری در این مکاتب ارائه می‌دهد و ما را دعوت به تأمل بیشتر در این خصوص می‌کند. تلاش استاد بر آن است تا پویایی و سرزندگی تفکر فلسفی در جهان اسلام به رهبری فیلسوفان ایرانی را به نمایش بگذارد. واقع امر آن است که تفکر فلسفی در هیچ کجای جهان اسلام به اندازه ایران جاری و ساری نیست. البته این بدان معنا نیست که فیلسوفان در عسرت نیستند. باری، عسرت سرنوشت روزگار ماست و دنیای تکنیک زده عرصه را بر تفکر تنگ تر کرده است. این کتاب را به اشارت استاد علی ارشد ریاحی به فارسی برگردانده‌ام. فقراتی از این کتاب را به همراه ایشان با متن اصلی مقابله کردیم و تشویق‌های مداومشان باعث شد مترجم ترجمه اثر حاضر را به سامان کند و برای نشر مهیا سازد. استاد سید حسین نصر از انتشار ترجمه استقبال کردند و طی مکاتباتی که با هم داشتیم، با تذکرات عالمانه، بر غنای متن افزودند. استاد غلامرضا اعوانی مرا به انتشار این اثر ترغیب کردند و از اهمیت این اثر تحقیقی آگاهم ساختند. انتشارات ترجمان علوم انسانی با روی گشاده ترجمه اثر حاضر را در برنامه انتشارات قرار داد و مترجم را مورد لطف بی‌پایان قرار داد. جناب آقای موسوی خوئینی زحمات روانی برای انتشار این اثر کشیدند و سرکار خانم مرضیه اکبرپور کار ویراستاری اثر را بر عهده گرفتند. باین حال، مسئولیت کمی‌ها و کاستی‌های اثر منتشره تماماً بر عهده خود مترجم است. اردرگاه خداوند منان طول عمر، سلامتی و شادی را برای این بزرگواران آرزو مندیم.

بیت الله ندرلو

اسفند ۱۳۹۵، تبریز

پیشگفتار

این کتاب حاصل حدوداً پنجاه سال مطالعه و تأمل دربارهٔ فلسفه و مسائل فلسفی در پرتو حقایق آشکارشده از صیقل وحی، هم به صورت عینی و هم به صورت اشراق درونی، است. در جهانی که فلسفه به کار از حقایق و حیانی روی برگردانده و اندیشهٔ سکولار تمام نیروی خود را به کار گرفته است تا معرفت ملهم از امر قدسی را به حاشیه براند و حتی ریشه کن کند، ضروری است تا ه گام فراموشی دست داد، به موضوع نسبت میان فلسفه و وحی از منظرها و نقطه نظرهای مختلف بپردازیم. سال‌ها پیش ما در معرفت و امر قدسی^۱ به پرسش محوری مربوط به نسبت میان علم و فلسفه، حقیقت امر قدسی پرداختیم و در آثار اخیرتر همچون نیاز به علم مقدس^۲ این موضوع را از زوایای دیگری مورد کندوکاو قرار داده‌ایم.

در اثر حاضر، توجه‌مان را به فلسفه و خصوصاً فلسفه اسلامی معطوف می‌کنیم. در اینجا بیش از هزار سال فلسفه اسلامی، آموزه‌ها، تاریخ و ریشه‌های آن را از منظر نسبت موجود میان این سنت فلسفی دیرین و حقایق نبوی، که همیشه رافق جهان اسلام و محیط و فضای فکری مسلمانان غلبه داشته، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. برخی از فصل‌های این کتاب طی سالیان مختلف به عنوان جستارهایی مستقل نگارش یافته‌اند. همهٔ آن‌ها کاملاً بازبینی شده و در چهارچوب کلی این کتاب قرار داده شده‌اند. بسیاری دیگر از فصل‌ها جدیدند و تصویری را تکمیل می‌کنند که کتاب حاضر در صدد ترسیم آن است.

1. Knowledge and the Sacred

2. The Need for a Sacred Science

مادر اینجا بر خود فرض می‌دانیم که از بنیاد رادیوس^۱ به خاطر کمک‌های بی‌شائبه مالی‌اش برای تهیه این کتاب تشکر کنیم. همچنین سپاسگزار کاترین اُبراین هستیم که متن کتاب را برای انتشار آماده کرد؛ تحمل دشواری خواندن صدها صفحه دست‌نوشته و تغییرات بسیار نیازمند صبر و مهارت و انرژی فراوان برای به انجام رساندن کاری مردافکن بود. بدون کمک ایشان انتشار این کتاب هرگز ممکن نبود.

www.ketab.ir

مقدمه

فلسفه و نبوت

در جوهر فرهنگی حاضر در غرب و نیز بخش‌های دیگر جهان، که به شدت متأثر از مدرنیسم و پست مدرنیسم هستند، دامنه‌ی دو رویکرد بسیار متفاوت و در نگاه بسیاری متضاد با فهم ذات واقعیت قلمداد می‌شوند. با این حال، در تمدن‌های سنتی مختلف پیش از ظهور جهان مدرن وضعیت این گونه نبود حتی امروزه نیز، تا آنجا که جهان بینی سنتی حفظ شده است، وضع به نحو یاد شده نیست. مدنی است که منظور ما در اینجا از وحی پیشگویی درباره آینده نیست، بلکه ابلاغ پیامی از جانب مراتب عالی‌تر یا عمیق‌تر واقعیت به یک اجتماع انسانی خاص است. اگرچه وحی، پیام‌های گوناگونی در ادیان مختلف داشته، با این حال حقیقت آن در جهان‌های مختلف مشابه است، جهان‌هایی به مانند مصر باستان، یونان باستان و هند، صرف نظر از ادیان مسیحی و ابراهیمی که وحی در آن‌ها نقش محوری ایفا می‌کند. اگر ما درک خویش از وحی را دیدگاه ابراهیمی محدود نکنیم، می‌توانیم حضور وحی را در محیط‌های دینی مختلف مشاهده کنیم که تقریباً در همه آن‌ها وحی نه تنها اهمیتی حقوقی، اخلاقی و معنوی دارد، بلکه اعتباری حکمی^۱ مرتبط با معرفت برخوردار است. ما این حقیقت را در این ادیان مشاهده می‌کنیم: در جهان ریشی^۲ در هند و شمن‌های [کاهنان جادوگر] ادیان شمنی مختلف

1. Sapiental

۲. Rishi: یکی از هفت حکیم هندو که وداها برایشان وحی گردید [مترجم].

و نیز در یاتورومانتیس^۱ دین یونانی و انوشه‌های تائوئیسم، در اشراق بودا و بعدها در شیوخ بودایی اهل ریاضت (ذن)، که اشراق یا ساتوری را تجربه کرده‌اند و همچنین در پیامبران ایرانی همچون زرتشت و البته در پیامبران ابراهیمی. در نتیجه، در همه این جهان‌ها، هرگاه و هر جا که فلسفه در معنای کلی آن شکوفا شده است، همیشه به انحاء مختلف با وحی در ارتباط بوده است.

حتی اگر تعریف فلسفه را به آن فعالیت ذهنی محدود کنیم که در یونان باستان به این نام مشهور بود، یعنی فعالیتی که فهم غربی مُدرن از تاریخ آن را خاستگاه نظری فلسفی می‌داند، ارتباط میان فلسفه و وحی را می‌توان ارتباطی بسیار نزدیک و تنگاتنگ رقم‌زنان با تکوین فلسفه یونان یافت. همچنین موفق به درک این نکته می‌شویم که این دو - فلسفه و وحی - بعدها از همدیگر فاصله گرفتند و در سرآغاز سنت فلسفی یونانی از یکدیگر جدا شدند. بیایید سه شخصیت بسیار مهم در پیدایش نظری فلسفی یونانی را موردِ اشاره قرار دهیم: فیثاغورث، که گفته می‌شود اصطلاح فلسفه را ابداع کرده است، به یقین فیلسوفی مانند دکارت و کانت نبود. گفته می‌شد که او دارای نیروهای پیامبرانه شگفت‌انگیزی بوده است و خودش همچون پیامبری بوده که انجمن دینی جدیدی را تأسیس کرد. مسدنان در واقع او را موحد خوانده‌اند و برخی او را پیامبر دانسته‌اند.

شخصی که اغلب «پدر» منطق و فلسفه غرب^۲ به‌یادمانده شده است پارمنیدس بود؛ بنابر معمول به عنوان یک عقل‌گرا جلوه داده می‌شود. از قضا شاعری با کیفیت نه چندان عالی به نگارش درآورده است. اما، همان‌طور که مطالعات رخ‌نشان اخیر پتر کینگزلی به روشنی نشان داده است، پارمنیدس نه یک عقل‌گرا به معنای مدرن کلمه بلکه عمیقاً در جهان و حیاتی به معنای دینی یونانی آن غوطه‌ور بود و غیب را اهل بصیرت بود. پارمنیدس در شعر خود، که حاوی پیام فلسفی اوست، به جهان دیگر هدایت می‌شود. این هدایت به وسیله دختران آفتاب انجام می‌شود، دخترانی که از کاخ نور، که در دورترین نقطه هستی قرار گرفته است، می‌آمدند. اگر درباره چگونگی وقوع این سفر پرسیده شود،

۱. Iatoromantis: این اصطلاح ترکیبی است از دو کلمه «یاتورو» به معنای پزشکی و پزشک، چنان‌که در یونانی به علم پزشکی «یاتوروسوفیا» می‌گویند، و «مانتیس» به معنای غیب‌گو و پیغمبر. پس «یاتورومانتیس» به معنای پزشک نبی است [مترجم].

پاسخ «نهفتگی»^۱ است: ممارستی روحی که در دین یونانی جایگاه ویژه‌ای دارد و طی آن شخص در حالت سکون کامل قرار می‌گیرد تا روح او به مراتب عالی‌تر واقعیت برکشیده شود و رازهای هستی برای او هویدا شود.

بنابراین، پارمنیدس راهی سفری درونی می‌شود تا اینکه با الهه‌ای ملاقات می‌کند که هر آنچه مهم است به او می‌آموزد، یعنی به او آن چیزی را می‌آموزد که خاستگاه نظری فلسفی یونانی دانسته می‌شود. جالب است هنگامی که الهه با پارمنیدس روبه‌رو می‌شو، او را کورس، یعنی مرد جوان، خطاب می‌کند. این واقعیت جالب توجه و دلرباست چرا که در سنت اسلامی اصطلاح مربوط به شهنشاهی معنوی (فتوت در عربی و جوان‌رزی در فارسی) همراه با واژه جوان است (فتی/جوان) و گفته می‌شود که این شهنشاهی معنوی از زمان پیش از اسلام نیز وجود داشته است و در اسلام به تأسی از شخصیت پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ احیا شده و به جزئی لاینفک از تصوّف بدل گشته است. علاوه بر این، امام علی ﷺ یکی از سرچشمه‌های سنتی اسلامی در تأسیس مابعدالطبیعه اسلامی بوده است.^۲

دیگر شخصیت یونانی، که لقب کورس به او اعطا شده بود، اپیمنیدیس کرتی بود. او نیز به جهان دیگر سفر کرده بود و پس از ملاقات با عدالت در آنجا قوانین را با خود به این جهان آورده بود. او نیز همانند پارمنیدس شعر می‌سرود. اپیمنیدیس نیز به عنوان پزشک-نپی یا یاتورومانتیس شهرت داشته است. زمانی که برای مس‌ها در شای بی حرکت مانده بود، همه چیز برایش از طریق نهفتگی آشکار شده بود. پارمنیدس با این سنت هم‌پسته بود. یاتورومانتیس همانند شمن‌ها به جهان‌های دیگر سفر کرده و به آنها حکایت سفرهای خود پرداختند، بلکه زبان را به گونه‌ای به کار بردند تا این سفر را برای دیگران نیز ممکن سازند. ایشان از سحرها و تکرارهایی در شعرهای خویش استفاده کردند که ما آن‌ها را در پارمنیدس نیز مشاهده می‌کنیم. همچنین آن‌ها به معرفی داستان‌ها و افسانه‌های شرق، از تبت گرفته تا هند، پرداختند که برایشان از اهمیت بسزایی برخوردار بود، چرا که اجتماع پارمنیدس در ایتالیای جنوبی از سوی شرق در آناتولیا (آسیای صغیر) تحسین می‌شد، آنجا که آپولو به عنوان الگوی یاتورومانتیس‌ها مورد احترام بود.

چراکه او ایشان را به عنوان پیامبران خویش برانگیخت تا اشعاری القایی بسرایند که خوانندگان خود را به سوی شناخت حقیقت راهبرند.

حفاری‌های انجام‌گرفته در دهه‌های اخیر در ولیا^۱ در جنوب ایتالیا، که خانه پارمنیدس در آنجا قرار داشت، به کشف کتیبه‌هایی منجر شده است که او را به‌طور مستقیم به آپولو و پاترومانتیس منتسب می‌سازند. همان‌طور که کینگزلی می‌نویسد: «نتایج این حفاری‌ها به ما نشان می‌دهد که پارمنیدس پسر آپولو و مجاور پاترومانتیس‌های اسرارآمیزی بوده است که در استفاده از شعرافسون‌گرو سفر به عوالم دیگر متخصص بودند.»^۲ اگر به خاطر آوریم که آپولون خدای نور بلکه نور خداست^۳، روشن می‌شود که تا چه اندازه فلسفه، آن‌گونه که توسط پدر یونانی خود - پارمنیدس - تشریح شده، بخام پیدایشش به نحوی عمیق با وحی، حتی به معنای ابراهیمی آن، در هم تنیده بوده است. به شرط اینکه از معنای درونی وحی، که ما به زودی به آن خواهیم پرداخت، غافل نشویم. حتی کامل از کشیشان شفادهنده به تبعیت از آپولو اولیوس (آپولوی شفادهنده، به وجود آمد و گفته می‌شود که پارمنیدس بنیان‌گذار این سنت بوده است. جالب است به این نکته اشاره کنیم که هرچند بعدها این جنبه‌ها در غرب به فراموشی سپرده شدند، اما در فلسفه اسلامی جایگاه خاصی یافتند و مورخان مسلمان فلسفه نه تنها فلسفه اسلامی بلکه فلسفه باستانی را نیز عمیقاً هم‌بسته با وحی دانستند.^۴ در اینجا باید این سخن مشهور عربی را ب یاد آریم که یُنَبِّئُ الْحِكْمَةَ مِنْ مَشَاكَاةِ النَّبِيِّ؛ یعنی «حکمت از چراغ نبوت (وحی) ساطع می‌شود».

همچنین جالب است که اشاره کنیم معلم پاره‌ساز رومی و فقیر بوده است و آنچه او بیش از همه به شاگردانش آموخت آرامش با هر چه حیا بود. این آموزه به حدی مهم بود که شخصیت‌های متأخر از جمله افلاطون، که در پی فهم پارمنیدس بود، اصطلاح هوسوخیا را بیش از هر واژه دیگری به کار بردند تا درک پارمنیدس از واقعیت را توصیف کنند. «از دیدگاه پارمنیدس، ما از طریق هوسوخیاست که به آرامش می‌رسیم. از طریق تمرین آرامش و سکوت است که به تجربه واقعی‌تری نائل می‌شویم که ورای عالم محسوسات وجود دارد.»^۵ باز جالب است یادآور شویم که کاربرد «هوسوخیا»،

که با نام بنیان‌گذار فلسفه و منطق یونانی عجین شده است، در هسی چازم^۱، تجسم بخش آموزه‌های باطنی کلیسای ارتدکس است که هدف اصلی‌اش دستیابی به علو مقام و معرفت خفیه^۲ است.

در شعر پارمنیدس، الهه به او آشکارا می‌گوید که هر آنچه را از او آموخته است با خود به جهان ببرد و رسول او باشد. کینگزلی معنای اصطلاح رسول در این بستر را به روشنی توضیح می‌دهد: «یک نام خاص وجود دارد که به خوبی آن نوع رسولی را توصیف می‌کند که پارمنیدس خود را در کسوت آن می‌یابد: نبی. معنای حقیقی واژه «نبی» هیچ نسبتی با توانایی پیش‌بینی آینده ندارد. در اصل این کلمه به کسی اطلاق می‌شود که کارش سخن‌گفتن از طرف یک قدرت بزرگ، خواه شخصی خواه طبیعی، است.»^۳ این «کارکرد نبوی» پارمنیدس تنها ضمن فیلسوف، شاعر و شفا دهنده بودن وی بود، بلکه همچنین، به مانند اپیمیدس او، به شاعر^۴ بدل می‌کرد.

با این حال، نسبت میان پارمنیدس و وحی اجتماعی و حقوقی خارجی نبود، بلکه درونی و سلوکی و باطنی بود. شاعران آگ به درستی فهم شود، فی نفسه [بازگوکننده نحوه] سلوک به جهان دیگر است و «تصانع» یا گویی این واقعیت‌اند که این متن برای سالکان است، نشانه‌هایی که فقط یک احمق ممکن است تصمیم به غفلت از آن‌ها بگیرد.^۵ از این وجه، او در کنار فیثاغورث و اپیدوکراس^۶ ایرانی می‌گیرد چرا که فلسفه ایشان نیز تنها کسانی را مخاطب قرار می‌داد که توانایی در یافتن پیام آن را داشتند. به بیان دقیق تر فلسفه ایشان با وجه باطنی و نه خارجی دین یونان، رهم آمیخته بود و درک حقیقی آن مستلزم سلوک بود. جالب است که چگونه باز فلسفه اسلام، تا به این اندازه، هم آواز است با بصیرت فلسفی فیلسوفان پیش از سقراطی، از قبیل فیثاغورث و پارمنیدس و اپیدوکلس که همگی ایشان به طور عمیق مورد احترام فیلسوفان اسلامی خاصه پیروان مکتب اشراقی بودند.

وقتی به سراغ شخصیت اسرارآمیز اپیدوکلس می‌رویم، دوباره با فیلسوفی مواجه می‌شویم که هم شاعر و هم شفا دهنده و از نگاه بسیاری یک پیامبر بوده است.

1. Hesychasm

2. Gnosis

3. Bringer of law